

۳) گاه‌شماری در کشورهای عربی

الف) گاه‌شماریهای رایج در شبه جزیره عربستان و کشورهای عربی، پیش از اسلام
ب) پیدایی و رواج گاه‌شماری هجری قمری در شبه‌جزیره عربستان و کشورهای عربی
ج) دیگر گاه‌شماریهای رایج در این کشورها.

الف) گاه‌شماریهای رایج در شبه‌جزیره عربستان و کشورهای عربی، پیش از اسلام.

تا پیش از رواج گاه‌شماری هجری قمری، مهمترین گاه‌شماریهای رایج در شبه‌جزیره عربستان و شام، همانهایی بودند که در چند اثر مهم و نخستین نجومی اسلامی به آنها پرداخته شده است. این گاه‌شماریها که عمیقاً تحت تأثیر تمدنهایی بوده‌اند که مجموع آنها، قلمرو عالم اسلام را پدید آورده است، عبارت بودند از: قبطی، سریانی، رومی (نک: ادامه مقاله، بخش ۷) و یهودی (نک: ادامه مقاله، بخش ۸). اینها کهنترین گاه‌شماریهایی نیستند که در سرزمینهای بعداً اسلامی شده رواج داشته‌اند؛ حوزه تمدنهای بین‌النهرین و نیل، مهد پیدایش کهنترین گاه‌شماریها بوده است (برای آگاهی از ویژگیهای کهنترین گاه‌شماریهای رایج در سرزمینهای اسلامی و نیز گاه‌شماریهای باستانی بین‌النهرین نک: <فرهنگ آشورشناسی>، همانجا؛ برای تقویمهای باستانی مصر نک: نویگباوئر ۹، ص ۱۷۰-۱۹۰؛ برای آگاهی از نقش این گاه‌شماریها در تمدن بین‌النهرین نک: راوتون ۱۰، ص ۲۰۲-۲۳۷).

در میان گاه‌شماریهای این منطقه، گاه‌شماری قبطی به دلایلی مهمترین گاه‌شماری به حساب می‌آید، از جمله قدمت آن (از این گاه‌شماری از دوره فراغنه مصر استفاده می‌شده است). این گاه‌شماری پایه و اساس گاه‌شماری مسیحی بوده است (نک: ادامه مقاله، بخش ۸) و اهم بحثهایی که در مجسطی (مهمترین کتاب مرجع نجومی مسلمانان درباره گاه‌شماریها) صورت گرفته، بر اساس این گاه‌شماری است. در فصل اول مقاله سوم مجسطی (بطلمیوس، گ ۳۴ ر - ۳۶ ر)، به هنگام بحث درباره کلیه مبداهای گاه‌شماریها، نام ماهها بر اساس این گاه‌شماری ذکر شده است (برای آگاهی از نام ماهها در این گاه‌شماری نک: فرغانی، ص ۵؛ ابوریحان بیرونی، ۱۹۲۳، ص ۴۹). در کهنترین مبداهایی که در آثار نجومی اسلامی ذکر شده، نیز از نام ماههای قبطی استفاده شده است (نک: فرغانی، ص ۶). به نوشته ابوریحان بیرونی (۱۹۲۳، ص ۱۳۷)، درسه گونه از کهنترین این مبداهای (مبدأ طوفان؛ مبدأ بختنصر، پادشاه آشور در ۷۴۷ ق م؛ مبدأ بیلبس، آغاز پادشاهی فیلیپ در روم، در ۳۵۹ ق م)، طول سال و نام ماههای سال بر اساس گاه‌شماری قبطی بوده است.

کتیرالدین فرغانی (نک: ص ۳، ۶) و ابوریحان بیرونی (نک: همانجا) تنها یک نوع گاه‌شماری را با نام ماههای سریانی ذکر کرده‌اند اما در اصل، گاه‌شماریهای متعددی با این نام ماهها در قلمرو اسلام وجود داشته است. نام ماههای سریانی در منابع با اختلاف جزئی ذکر شده است (نک: فرغانی، ص ۳؛ مسعودی، ج ۲، ص ۳۳۷-۳۳۹، ۳۴۰-۳۴۲؛ ابوریحان بیرونی، ۱۹۲۳، ص ۶۰؛ برای آگاهی از نام ماههای سال در گاه‌شماری سریانی نک: جدول ۱). نخستین مبدائی که در متون دوره اسلامی با

استفاده از این نامها به آن اشاره شده، مبدأ اسکندری (= سلوکی، نک: ادامه مقاله، بخش ۷) است (فرغانی، ص ۶).

جدول ۱ - نام ماههای سال در گاهشماریهای سریانی و یهودی

| سریانی | یهودی |
|-------------|------------|
| تشرین الاول | تشری |
| تشرین الاخر | مرحشوان |
| کانون الاول | کسلو |
| کانون الآخر | طبیث (تبت) |
| شباط | شفط (شباط) |
| آذار | اذر |
| نیسان | نیسن |
| ایار | ایر |
| خزیران | سیون |
| تموز | تمز |
| أب (آب) | أوب |
| ایلول | ایلول |

در گاهشماری سریانی - مقدونی، که ابوریحان بیرونی (۱۹۳۴، ص ۱۶۸) آن را گاهشماری رومی خوانده، نیز طول سال و نام ماهها و تعداد روزهای ماه برابر گاهشماری سلوکی است، با این تفاوت که سال از ماه کانون آخر آغاز می‌گردد. گاهشماری حرّانیان (نک: ادامه مقاله در همین بخش) نیز وابستگی بسیاری به گاهشماری سلوکی - سریانی دارد. بنا به نوشته محمد بن ایوب طبری (گ ۱۴ پ)، مبدأ گاهشماری ذوالقرنینی را نیز، به همان ترتیب ماههای سریانی اما با اختلاف دوازده سال پیش از مبدأ گاهشماری اسکندری (= سلوکی، سال ۳۱۲ ق م)، باید در شمار انواع مبدأهایی آورد که منجمان اسلامی می‌شناخته‌اند، اما بسیاری از منجمان اسلامی (مثلا فرغانی، همانجا)، مبدأ ذوالقرنینی را همان مبدأ اسکندری (سلوکی) دانسته‌اند.

از جمله مبدأهایی که بر اساس گاهشماری قبطی بوده و با استفاده از نام ماهها در این گاهشماری رواج داشته، مبدأ دیوقلطیانی بوده است (د. اسلام، چاپ دوم، ج ۱۰، ص ۲۶۱). این مبدأ همچنان در تقویمهای چاپ مصر، با عنوان «السنه القبطیه» (سال قبطی)، ذکر می‌شود (مثلا نک: تقویم‌الدوله المصریه لسنه ۱۹۳۳، ص ۱). از میان اقوامی که در همسایگی اعراب زندگی می‌کردند و از گاهشماری آنان اطلاعاتی در آثار نویسندگان دوره اسلامی وجود دارد، بیشترین آگاهیها راجع به گاهشماری حرّانیان (به نوشته ابوریحان بیرونی، ۱۹۲۳، ص ۳۱۸: صابئین) است که بیش از همه ابوریحان بیرونی (همان، ص ۳۱۸-۳۲۴) به آن پرداخته است. در این گاهشماری نام ماههای سریانی

به کار می‌رفته، اما به نام هر یک از ماهها واژه «هلال» افزوده می‌شده است (همان، ص ۳۱۸). ماهها از یک روز (در شرایطی خاص، دوروز) بعد از مقارنه آغاز می‌شدند (همان، ص ۳۱۹؛ یرپه، ص ۷۳) و روز نیز از هنگام طلوع خورشید آغاز می‌گردید (ابوریحان بیرونی، همانجا؛ یرپه، ص ۷۲). هفته نزد حرانیان با یکشنبه شروع می‌شد و هر روز هفته نام خاصی داشت (ابن‌ندیم، ص ۳۸۶).

موضوع آغاز سال در گاه‌شماری حرّانی، به سبب استفاده چند نوع گاه‌شماری با نام ماههای سریانی، باعث تشتت آرا شده است. ابن‌ندیم (همانجا) آغاز سال حرّانی را ابتدای ماه نیسان می‌داند، اما ابوریحان بیرونی (همان، ص ۳۱۸) ابتدای سال، یا دست کم جشن ابتدای سال، را اول ماه کانون آخر و موقعیت شمارشی ماهها را برای آغاز و پایان سال از ماه تشرین اول ذکر نموده است. این چندگانگی، به سبب رواج انواع گاه‌شماریها (شمسی، قمری، شمسی - قمری) با نام ماههای سریانی، به هنگام رواج گاه‌شماری حرّانی و در نواحی اطراف محل جغرافیایی رواج آن، رخ داده است. موقعیت آغاز سال در گاه‌شماری حرّانی همان موقع آغاز سال رسمی در گاه‌شماری سریانی - مقدونی و موقعیت شمارشی ماهها از ماه اول تا دوازدهم همان موقعیت آغاز سال (ماه اول) در گاه‌شماری کنونی یهودی است (برای آگاهی بیشتر درباره گاه‌شماری یهودی نک: ادامه مقاله، بخش ۸). چون حرّانیان طول سال خود را برابر طول سال در گاه‌شماری یهودی اتخاذ و کیسه‌های گاه‌شماری خود را همانند گاه‌شماری یهودی اعمال می‌نمودند شمارش ماههای گاه‌شماری خود را نیز مانند گاه‌شماری یهودی ترتیب دادند.

ابوریحان بیرونی (۱۹۲۳، ص ۱۷۲-۱۷۳) نیز به همسان بودن گاه‌شماری حرّانیان با گاه‌شماری یهودی در این زمینه اشاره کرده است (برای آگاهی بیشتر درباره گاه‌شماری حرّانی نک: یرپه، ص ۸۳-۶۸). درباره مبدأ این گاه‌شماری، اختلاف نظر هست؛ آن را سال ۱۱۸ ق م، ۱۱۵ ق م یا ۱۱۰ ق م می‌دانند (تقی‌زاده، ج ۱، ص ۱۱۱؛ د. اسلام، چاپ دوم، ج ۱۰، ص ۲۶۰) که در صورت پذیرش سال ۱۱۵ یا ۱۱۸ ق م، این مبدأ با مبدأ فرضی قوم سبائی (سبائیان) ساکن جنوب شبه‌جزیره عربستان - که در کتیبه‌های خود همین زمانها را با عنوان مبدأ مبهود بن ابهد ذکر کرده‌اند - برابر خواهد شد (درباره مبدأ سبائی نک: تقی‌زاده، ج ۱، ص ۱۰۰).

در هر یک از تمدنهای شبه‌جزیره عربستان، که به دو دسته شمالی و جنوبی تقسیم می‌شوند، پیش از اسلام از گاه‌شماریهایی استفاده می‌شده که بعضی از ارکان آنها از طریق متون کهن باقیمانده یا نوشته‌های نویسندگان اسلامی به دست ما رسیده است. از اقوامی که در عهد باستان در شبه‌جزیره ساکن بودند، کتیبه‌های تاریخدار گوناگونی باقی مانده که حاوی اطلاعاتی درباره گاه‌شماریهای آنان است، اما دانسته‌های ما از گاه‌شماریهای رایج در مکه و پیرامون آن در سالهای نزدیک به ظهور اسلام عموماً از طریق نوشته‌های دانشمندان اسلامی و معدودی اشعار دوره جاهلی است.

با توجه به اهمیت کشاورزی نزد اقوام جنوبی شبه‌جزیره، احتمال داده شده که آنان نوعی گاه‌شماری شمسی (در کنار نوعی گاه‌شماری قمری برای امور مذهبی) داشته‌اند (جوادعلی، ج ۸، ص ۵۰۹ -۵۱۰). اما به کاربردن واژه‌های اول و دوم (آخر/ثانی) همراه با نام بعضی ماهها، این گمان را نیز به وجود می‌آورد که قید «دوم» برای یک ماه واحد، تمهیدی برای افزودن یک ماه اضافی در سال و در

نتیجه طرح گونه‌ای گاه‌شماری شمسی - قمری بوده است (نک: د. اسلام، چاپ دوم، ج ۱۰، ص ۲۵۹-۲۶۰). این گمان به ویژه در مورد ساکنان نواحی مرکزی شبه‌جزیره وجود دارد که آنان از نام ماههای عربی، که اکنون نیز در گاه‌شماری هجری قمری به کار می‌رود، استفاده می‌کرده‌اند. صورتهای گوناگونی از نام ماههای سال نزد اقوام ساکن در جنوب شبه‌جزیره، به دست آمده است که در مورد اقوام گوناگون سبائی، اختلاف اندکی را بین بعضی ماهها نشان می‌دهد (برای آگاهی از این نامها نک: جوادعلی، ج ۸، ص ۴۴۵-۴۵۴؛ د. اسلام، چاپ دوم، ج ۱۰، ص ۲۶۰؛ برای صورت مقایسه‌ای نام ماهها نزد اقوام سبائی نک: گرومان ۱۹۶۶، ۱۲، ص ۸). مبداهای مورد استفاده در جنوب شبه‌جزیره در اوایل قرن دوم پیش از میلاد، با وضع مبداهای ثابت نسبت به سایر رویدادهای تاریخی-جغرافیایی تثبیت شده‌اند، در حالی که پیش از آن، سالها نه بر اساس شمارش از مبدائی ثابت، بلکه بر اساس نامگذاریهای سالانه شمرده می‌شدند (د. اسلام، همانجا). متأخرترین سندی که ارکان یک گاه‌شماری در منطقه جنوب شبه‌جزیره عربستان در آن ثبت شده، متعلق به سده ششم میلادی است (جوادعلی، ج ۸، ص ۵۱۶؛ برای آگاهی بیشتر درباره گاه‌شماریهای جنوب شبه‌جزیره عربستان نک: همان، ج ۸، ص ۵۰۹-۵۲۴).

در مورد گاه‌شماریهای شمال شبه‌جزیره، کمبود اسناد تاریخدار، درباره مشخصات آنها تردیدهایی به وجود می‌آورد. از جمله اسناد تاریخدار این منطقه - که گونه‌ای از گاه‌شماریهای رایج در آنجا را معرفی می‌کند - کتیبه کوچکی در منطقه نماز (منطقه بیابانی شمال شبه‌جزیره، حوالی شام) است که بنا بر آن مبدأ این گاه‌شماری مفروض، سال ۱۰۵ میلادی محاسبه شده است (نک: <گزارش تاریخی کتیبه‌های عربی>، ج ۱، ص ۱-۲) و تنها نام یک ماه (از نامهای بابلی ماههای سال) در آن وجود دارد. بر اساس این قرینه، احتمالاً صورتی از گاه‌شماری شمسی - قمری در این منطقه رواج داشته است (جوادعلی، ج ۸، ص ۴۵۴)، زیرا در آن منطقه و در آن زمان گاه‌شماری شمسی‌ای نمی‌شناسیم که در آن از نام ماههای بابلی استفاده شده باشد. بر اساس سند مذکور، قدمت این گاه‌شماری به قرن چهارم میلادی می‌رسد. در کتیبه تاریخدار دیگری، که در اواسط قرن ششم میلادی نوشته شده، از سال ۴۶۳ بعد از مفسد خیبر (۵۶۸ میلادی) یاد شده است که همانند کتیبه قبلی به مبدائی در سال ۱۰۵ میلادی بازمی‌گردد (برای آگاهی از متن این کتیبه نک: <گزارش تاریخی کتیبه‌های عربی>، ج ۱، ص ۴؛ برای گزارشی درباره کتیبه نک: جوادعلی، ج ۸، ص ۵۱۹). با توجه به درج نشدن ارکان دیگری از گاه‌شماری در این کتیبه، دست یافتن به دیگر مشخصات گاه‌شماری مذکور در این کتیبه، در صورتی که مفروضاً با نوع دیگری به جز گاه‌شماری شمسی - قمری مواجه باشیم، میسر نیست.

در مورد گاه‌شماری اقوامی که آنها را «عرب جاهلی» می‌خوانند، صورتهای مختلفی از نام ماههای سال در دست است که تعدادی از آنها با استناد به اشعار عرب جاهلی شناسایی شده‌اند (نک: جوادعلی، ج ۸، ص ۴۵۶-۴۵۷)، اما از سایر ارکان این گاه‌شماری اطلاع دیگری در دست نیست. همچنین فهرستی از نام دوازده ماه سال، بر اساس نوشته مسعودی (ج ۲، ص ۳۴۹) و ابوریحان بیرونی (۱۹۲۳، ص ۶۳)، وجود دارد که در گاه‌شماری قوم ثمود به کار می‌رفته است. بر اساس

نوشته مسعودی (همانجا)، قوم ثمود برای روزهای هفته نیز نامهای خاصی داشتند. استفاده از این نامها به قبایل متعدد عرب جاهلی نیز نسبت داده شده است. برخی نامها (نک: مسعودی؛ ابوریحان بیرونی، همانجاها) برای نامیدن روزهای هفته نیز به کار می‌رفتند (برای آگاهی از نام روزهای هفته عرب جاهلی، اشتقاق آنها و نامهایی که بر روزها نیز اطلاق می‌شدند نک: فیشر ۱۸۹۶، ۱۳، ص ۲۲۰-۲۲۶).

به استناد نوشته ابوریحان بیرونی (همانجا)، که آغاز سال قوم ثمود را مصادف با ماه رمضان در گاه‌شماری هجری قمری می‌داند و نیز اینکه هیچ ذکری از ماه سیزدهم یا ماههایی با صفات اول، دوم (آخر/ثانی) در گاه‌شماری ثمودی وجود ندارد، این گاه‌شماری نوعی گاه‌شماری قمری بوده است. همچنین نویسندگان بسیاری (از جمله فرّاء، زندگی ۱۲۴ تا ۲۰۷ هجری؛ ص ۱۷-۲۱؛ ابوریحان بیرونی، ۱۹۲۳، ص ۶۰-۶۱) صورتی از نام ماههای منسوب به عرب جاهلی را ذکر کرده‌اند، اما تاریخ دقیقی از زمان جابجایی این نامها با نام ماههای عربی، که پس از اسلام نیز در گاه‌شماری هجری قمری مورد استفاده قرار گرفتند و هنوز هم در این گاه‌شماری کاربرد دارند، وجود ندارد (برای آگاهی از نام ماهها در گاه‌شماری هجری قمری نک: جدول ۲). به نوشته برخی نویسندگان، این جابجایی را تقریباً دو قرن قبل از مبدأ گاه‌شماری هجری قمری (نک: پرسوال، ص ۳۷۸-۳۷۹)، کلاب بن مره، یکی از اجداد پیامبر اکرم، انجام داده است (برای نقل قولهای گوناگون در این زمینه نک: همان، ص ۳۴۲-۳۷۹). تا پیش از رسمیت یافتن مبدأ هجری قمری، اقوام و قبایل گوناگون، نه یک مبدأ ثابت، بلکه رویدادهای تاریخی - جغرافیایی گوناگونی را مبدأ قرار می‌دادند. بر این اساس مبادی متعددی وجود داشت که مسعودی (ج ۲، ص ۱۹۶-۲۳۵) پیش از همه، با توجه به اقوام و قبایلی که آنها را به کار می‌بردند به شرح آنها پرداخته است (برای آگاهی بیشتر از این مبادی و قبایلی که از آنها استفاده می‌نمودند نک: روح‌الله بهرامی، ص ۹۱-۹۴).

حمزه اصفهانی (ص ۱۱۸-۱۲۰) نیز از گاه‌شماریهای نه‌گانه‌ای یاد کرده است که قریش تا پیش از تعیین مبدأ هجری قمری از آنها استفاده می‌کردند. ترتیب ماهها در این گاه‌شماریها همان ترتیبی است که پس از اسلام نیز در گاه‌شماری هجری قمری مراعات می‌شده است. ماههای حرام نیز که جنگیدن در آنها حرام بوده، در گاه‌شماری هجری قمری همچنان، بنا بر احکام اسلامی، حرام دانسته شده‌اند. در ادبیات عرب جاهلی، از جمله معلقات، به حرام بودن این ماهها و حرمت جنگیدن در آنها اشاره شده است (برای نمونه نک: لبید بن ربیع، ص ۹۱، بیت ۳؛ نک: حارث بن حلزه، ص ۱۷۰، بیت ۱؛ برای آگاهی بیشتر نک: جواد علی، ج ۸، ص ۴۷۱-۴۸۷). ترتیب قرار گرفتن ماهها، حرام بودن یا نبودن آنها، و الحاق اول یا دوم (آخر/ثانی) به نام تعدادی از ماهها موجب تداول نامهای متعددی برای آنها شده است (برای آگاهی از صورتهای گوناگون این نامها در متون نک: لیتمان، ص ۲۲۸-۲۳۱)؛ از جمله، چون ماه رجب به دنبال سایر ماههای حرام قرار ندارد، رجب‌الفرد نیز خواننده شده است (جواد علی، ج ۸، ص ۴۷۷).

درباره معانی این نامها و اینکه اصولاً بین معنای نام ماهها و ترتیب قرار گرفتن آنها در فصول سال ارتباطی وجود داشته یا نه، نیز بحثهای بسیار شده است (برای آگاهی بیشتر درباره این بحثها و

معانی احتمالی نام ماهها نک: فرآء، ص ۹-۱۶؛ ابن عاصم ثقفی، ص ۳۱-۳۴؛ برای نمونه بحثهای لغوی این نامها نک: ابن منظور، ذیل «حرم»؛ مرتضی زبیدی، ذیل «صفر». از جهت ارتباط نام ماههای عربی با موقعیت آنها در فصول سال، که تداعی کننده نوعی سال شمسی از ماهیت تقویم عرب جاهلی است، اگرچه پرسوال (ص ۳۴۲-۳۴۴) به برابری معنایی نام بعضی از ماههای عربی با موقعیت آنها در فصول سال معتقد است، به طور کلی درباره این موضوع، تردید بسیاری وجود دارد (برای آگاهی از بحثهای گوناگون در این زمینه نک: نالینو، ص ۹۴-۱۰۶).

ماهیت گاه‌شماری عرب جاهلی، با توجه به کیبسه‌های یک‌ماهه که در دوره‌های متعدد در آن اعمال می‌شد، مورد بحث است. اگرچه با توجه به نوشته‌های مسعودی (ج ۲، ص ۳۴۷) و ابوریحان بیرونی (۱۹۲۳، ص ۱۱-۱۲)، که به اعمال کیبسه‌های یک‌ماهه اشاره دارند، در اینکه با یک‌گاه‌شماری شمسی - قمری روبرو هستیم، تردیدی باقی نمی‌ماند. موضوع مورد تردید، چگونگی اجرای این ماه کیبسه است که اقوال گوناگونی درباره آن وجود دارد. به نوشته مسعودی (همانجا) و ابوریحان بیرونی (۱۹۲۳، ص ۶۲-۶۳، که به نوشته نالینو (ص ۹۱) آن را از [کتاب بعدا گمشده آلف] ابومعشر [بلخی] اخذ نموده است)، اعراب با گذشت هر سه سال یک‌ماه کیبسه به سال خود می‌افزودند. اما ابوریحان بیرونی در جای دیگر (همان، ص ۱۲) از نه‌ماه کیبسه در یک دوره ۲۴ ساله سخن گفته است که اگر چه این دوره از دوره‌های کیبسه‌گیری یهودیان نیست، او استفاده از آن را، تنها در همین موضع، به یهودیان نسبت می‌دهد. به نوشته ابوریحان بیرونی (همان، ص ۶۲)، اعراب این روش کیبسه‌گیری را یکصد سال پیش از ظهور اسلام به کار می‌بردند. گروهی که وظیفه محاسبه و اعمال این ماه کیبسه را داشتند، «قَلَامَس» (جمع قَلَمَس، به نوشته ابوریحان بیرونی، همانجا، به معنای دریای پُر آب) خوانده می‌شدند و فرآیند اعمال یک‌ماه کیبسه در یک سال دوازده‌ماهه نیز «نَسِء» نام داشت. با ظهور اسلام و تحریم صریح نسِء و کفر شمرده شدن آن در قرآن کریم (نک: توبه: ۳۷)، این روش هیچگاه در گاه‌شماری هجری قمری استعمال نشد (برای آگاهی بیشتر درباره قلامس؛ نسِء و نحوه پیدایش و ابطال آن نک: جوادعلی، ج ۸، ص ۴۸۸-۵۰۸؛ حسینی، ص ۴۷-۷۶)؛

جدول ۲ - نام ماههای سال در گاه‌شماری هجری قمری

| | |
|------------------------------|---|
| محرم | ۱ |
| صفر | ۲ |
| ربیع‌الاول | ۳ |
| ربیع‌الثانی / ربیع‌الآخر | ۴ |
| جمادی‌الاولی | ۵ |
| جمادی‌الثانیه / جمادی‌الآخره | ۶ |
| رجب | ۷ |

| | |
|--------|----|
| شعبان | ۸ |
| رمضان | ۹ |
| شوال | ۱۰ |
| ذیقعدہ | ۱۱ |
| ذیحجه | ۱۲ |

ب) پیدایی و رواج گاه‌شماری هجری قمری در شبه جزیره عربستان و کشورهای عربی.

درباره رواج گاه‌شماری هجری قمری، یعنی استفاده از نام ماههای رایج در شبه‌جزیره عربستان پیش از ظهور اسلام در گاه‌شماری‌ای با مبدأ هجرت پیامبر اکرم از مکه به مدینه، اقوال گوناگونی وجود دارد. بر اساس روایتی منسوب به رسول اکرم، که افراد متعددی چون محمد بن جریر طبری (ج ۳، ص ۱۲۵۰) و سیوطی (ص ۱۱) نقل کرده‌اند، آن حضرت در هنگام ورود به مدینه دستور وضع گاه‌شماری هجری قمری با مبدأ همان زمان، یعنی ابتدای ربیع‌الاول، را صادر کردند. اما به نقل از بسیاری از مورخان و نویسندگان دیگر، در یکی از سالهای شانزدهم، هفدهم یا هجدهم هجری و به دستور خلیفه دوم، در جلسه‌ای که به منظور طرح و وضع گاه‌شماری برای سرزمینهای اسلامی بر پا شده بود (ابوریحان بیرونی، ۱۹۲۳، ص ۲۹-۳۰، گزارش مختصری درباره این جلسه آورده‌است)، پس از رد چند نظر مختلف، گاه‌شماری هجری قمری با مبدأ اول محرم سالی که هجرت رسول اکرم در آن رخ داده بود (۱۶ ژوئیه ۶۲۲ میلادی) رسمیت یافت (برای آگاهی از منابع متعدد تاریخی درباره این واقعه، استنادات و نظر مخالفان و موافقان آن نک: عاملی، ج ۳، ص ۳۲-۵۸). بر این اساس، دو ماه از سال اول هجری (از اول محرم تا اول ربیع‌الاول که هجرت رخ داد)، پیش از آنکه واقعه هجرت صورت گرفته باشد، جزو سال اول هجری قمری محسوب شد. ملک‌پور (۱۳۷۲ ش، ۱۲۶-۱۳۸) جدول تطبیقی سال اول هجری را، با اساس قرار دادن سال اول هجری شمسی (اول فروردین سال اول هجری، ۱۷۸ روز پیش از واقعه هجرت) و برابری آن در گاه‌شماری هجری قمری و میلادی، محاسبه و ارائه نموده است (برای طرح مسائل کلیتر درباره علت انتخاب نشدن وقایع تاریخی دیگر، مثلاً زمان تولد پیامبر، به عنوان مبدأ گاه‌شماری اسلامی نک: <دایره‌المعارف جهان اسلام آکسفورد>، ذیل "Islamic calendar").

با اینکه اقوال متعددی مبنی بر وضع گاه‌شماری هجری قمری، دست‌کم از سال شانزدهم هجری، وجود دارد، اسنادی از جمله چند نمونه از عهدنامه‌های پیامبر اکرم با تاریخ پیش از سال شانزدهم، یعنی زمان وضع گاه‌شماری هجری قمری، نسبت به زمان دقیق وضع گاه‌شماری هجری تردید به وجود می‌آورند (برای آگاهی بیشتر در این زمینه نک: عبداللهی، ۱۳۶۵ ش، ص ۱۵-۳۳؛ برای آگاهی از متن یکی از این عهدنامه‌های تاریخدار نک: حمیدالله، ص ۱۱۹-۱۲۴). بنابراین، احتمال اینکه گاه‌شماری هجری قمری نه در زمان خلافت عمر بلکه در زمان حیات پیامبر گرامی اسلام به وجود آمده باشد، نیز قابل بررسی است (نک: عبداللهی، ۱۳۶۵ ش، ص ۱۵-۲۶).

بنا بر نوشته چند تن از تاریخ‌نگاران اسلامی، از زمان هجرت پیامبر تا مدتی پس از آن، حوادث تاریخی بر اساس شمارش ماهها از مبدأ هجرت تاریخگذاری شده‌اند؛ واقدی (ج ۱، ص ۲-۴، ۴۰۲) حوادث متعددی را با این شیوه (شمارش ماهها و نه سالها) ثبت کرده است. دورترین زمان مورد نظر واقدی ماه پنجاه و چهارم هجری است (نک: ج ۲، ص ۵۳۱). او حوادث سال ششم هجری به بعد را به شیوه شمارش سالها ثبت کرده است (نک: ج ۲، ص ۵۳۵). ذکر وقایع تاریخی زمان حیات پیامبر طبق این شیوه نیز تأییدی بر رسمیت داشتن گاه‌شماری هجری قمری در زمان حیات پیامبر است (عبداللهی، ۱۳۶۵، ش ۲۲-۲۴). در این صورت، احتمالاً جلسه مشورتی، که بیرونی و برخی مورخان بارها از آن یاد کرده‌اند، برای تعیین زمان مناسب جمع‌آوری مالیات و نیز اعلام رسمی استفاده از گاه‌شماری هجری، از اول محرم سال اول هجری (نه از اول ربیع الاول همان سال که تاریخهای ماه شماری بر اساس آن ذکر می‌شدند)، تشکیل شده است، نه برای وضع گاه‌شماری هجری (همان، ص ۲۵-۲۶).

سالهای ده‌گانه بین هجرت تا وفات پیامبر گرامی اسلام، هر کدام نام خاصی دارند (برای آگاهی از این نامها نک: ابوریحان بیرونی، ۱۹۲۳، ص ۳۱). این نامگذاری سالانه، معطوف به دوره عرب جاهلی می‌باشد که طی آن، سالها بر اساس وقوع پدیده‌های جغرافیایی یا تاریخی نامگذاری شده و به عنوان مبدأ گاه‌شماری مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند.

تأکید پیامبر اکرم بر اجرا نکردن نسیء، همانگونه که در قرآن کریم آمده است، و تکرار این موضوع در خطبه حجة الوداع (برای آگاهی از این بخش از خطبه نک: ابن هشام، ج ۴، ص ۶۰۴؛ واقدی، ج ۳، ص ۱۱۱۲) باعث شد که مسلمانان این گاه‌شماری را به عنوان گاه‌شماری قمری محض، از صدر اسلام تا کنون، مورد استفاده قرار دهند. بسیاری از ستاره‌شناسان اسلامی روزهای بین‌التاریخین این گاه‌شماری را با چند گاه‌شماری مشهور دیگر، با تفاوت ناچیزی در تعداد روزها، ثبت کرده‌اند (نک: ابن یونس، ص ۱۸؛ ابوریحان بیرونی، ۱۹۲۳، ص ۱۳۷).

در این گاه‌شماری، که سال آن شامل دوازده بار رویت هلال است، برای تعداد روزهای توالی منظمی ماه وجود ندارد؛ ازینرو ممکن است که حداکثر سه ماه متوالی ۲۹ روزه و نیز حداکثر سه ماه متوالی سی روزه محسوب شوند، گرچه رخ دادن چهار ماه متوالی سی روزه نیز غیرممکن نیست (عبداللهی، ۱۳۶۵، ش ۳۰). اما در محاسباتی که ستاره‌شناسان برای به دست آوردن برابر روزها با گاه‌شماری شمسی و استخراج تقویمهای سالانه انجام می‌داده‌اند، ماهها به طور متوالی ۳۰ روزه و ۲۹ روزه محاسبه شده‌اند (نک: نصیرالدین طوسی، زیج ایلخانی، گ ۱۴ ر؛ رویانی لاهیجی، گ ۱۰ ر؛ عبداللهی، ۱۳۶۵، ش ۳۱). همچنین برای اعمال کبیسه در این گاه‌شماری، طبق قاعده‌ای در یک دوره سی ساله، یازده سال کبیسه محاسبه و برابر آن یک روز به ماه ذیحجه اضافه می‌شده است. بسیاری از ستاره‌شناسان (از جمله نصیرالدین طوسی؛ رویانی لاهیجی، همانجاها)، آرایه این سالهای یازده گانه کبیسه را با اختلاف نظر در مورد پانزدهمین و شانزدهمین سال ذکر کرده‌اند (برای آگاهی از تفاوتهای آماری استخراج کبیسه و معادلات ریاضی مربوط به این استخراجها نک: صیاد، ۱۳۶۵، ش ۷۲-۱۱۹؛ همو، ۱۳۶۹، ش ۱۷۱-۱۸۳). از دهه‌های اول هجری قمری

اسناد معدودی در شبه جزیره عربستان وجود دارد که با این گاه‌شماری تاریخگذاری شده‌اند. نمونه‌ای از این اسناد، که اعتبار آن نیز به اثبات رسیده، پیمان حکمیت حضرت علی علیه السلام و معاویه در جنگ صفین، در ماه صفر ۳۷ هجری، است که در متون متعدد تاریخی ذکر شده است (درباره این سند نک: حمیدالله، ص ۵۳۸-۵۴۱). اما پس از فتوحات مسلمانان و گسترش قلمرو اسلام، این گاه‌شماری در بسیاری از نقاط به سرعت رواج یافت و منابع تاریخی بر اساس آن تألیف شد. از جمله در شام (سوریه فعلی) و مصر، سکه‌های گوناگونی، بویژه از زمان حکومت طولونیان (ح ۲۵۴-۲۹۲)، به دست آمده که بر اساس این گاه‌شماری ضرب شده است (لین پول، ج ۲، ص ۶۴-۶۵). در فلسطین نیز سکه‌هایی از زمان حکومت اخشیدیان (قرن چهارم هجری؛ همان، ج ۲، ص ۶۹) در دست است و نیز از دوره‌های پس از آن کتیبه‌های متعددی وجود دارد که با این گاه‌شماری تاریخگذاری شده است (برای آگاهی از این کتیبه‌ها نک: <گزارش تاریخی کتیبه‌های عربی>، ج ۵، ص ۱۲۶-۱۲۷، ج ۹، ص ۱۷۴). در اسپانیا از زمان حکومت امویان (از ۱۰۸ هجری قمری به بعد) سکه‌های متعددی با این گاه‌شماری به دست آمده است (لین پول، ج ۱، ص ۱۰، ۱۸۶؛ برای فهرستی از تاریخ ضرب این سکه‌ها و نام حاکمان آنها نک: همان، ج ۱۰، فهرست، ص CIX-CVI). همچنین در نقاط گوناگون این سرزمین، از جمله در سویل (اشبیلیه) و تولدو (طلیطله)، کتیبه‌هایی با تاریخگذاری هجری قمری وجود دارد (برای آگاهی درباره این کتیبه‌ها نک: <گزارش تاریخی کتیبه‌های عربی>، ج ۵، ص ۱۲۴، ۱۳۰، ج ۷، ص ۲۰۵). در حوزه دریای مدیترانه نیز کتیبه‌های تاریخگذاری در پالمو، سیسیل و حتی ناپل ایتالیا، متعلق به قرن پنجم هجری، یافت شده است (نک: همان، ج ۶، ص ۱۸۸، ج ۷، ص ۱۹۷-۱۹۸). به عنوان دورترین حوزه‌های گسترش گاه‌شماری هجری قمری، کتیبه‌های تاریخگذاری در یکن متعلق به ۶۷۹ و ۶۸۲ هجری قمری، کانتون چین متعلق به ۷۵۱ هجری قمری (نک: همان، ج ۳، ص ۲۲، ج ۱۲، ص ۲۶۰، ج ۱۶، ص ۱۱۰) و سوماترا متعلق به ۷۲۷ هجری قمری (نک: همان، ج ۱۵، ص ۲۳۰) وجود دارد.

ج) دیگر گاه‌شماریهای رایج در این کشورها.

مهمترین واقعه در مورد گاه‌شماریهای قلمرو اسلام، تا پیش از فروپاشی خلافت عباسی و تشکیل حکومت‌های مستقل (که هر کدام گاه‌شماری خاص خود را داشتند)، اقداماتی بود که از اوایل قرن دوم هجری قمری و از زمان خلافت هشام بن عبدالملک (۱۰۵-۱۲۵) انجام شد. بر اساس گزارش ابوریحان بیرونی (۱۹۲۳، ص ۳۱-۳۳)، از این زمان، و بویژه در زمان حکومت متوکل (حک: ۲۳۲-۲۴۷)، عدم انطباق سال قمری با وضع فصول و برداشت محصول سبب جلو افتادن زمان دریافت خراج سالانه شده و برای پرداخت کنندگان مالیات سالانه مشکلاتی به وجود آورده بود. متوکل پس از مشاوره با موبدان زردشتی و با رأی وزیرش، ابراهیم بن عباس صولی، دستور داد که کبیسه به روش پادشاهان ساسانی اجرا شود تا زمان نوروز ثابت بماند و در نتیجه زمان مناسب برای جمع‌آوری مالیات فراهم آید. موعد اجرای این کبیسه، سال ۲۴۳ (همان، ص ۳۲) یا ۲۴۵ (محمدبن جریر طبری، ج ۹، ص ۲۱۸؛ ابن اثیر، ج ۷، ص ۸۹) ذکر شده است. به نوشته ابوریحان

بیرونی (همانجا)، با مرگ متوکل قصد او در اجرای کبیسه عملی نشد، تا اینکه در زمان خلافت معتضد (۲۷۹-۲۸۹)، موضوع بار دیگر مطرح گردید (حسن قمی، ص ۱۴۴-۱۴۶) و او دستور داد که محاسباتی صورت گیرد و کبیسه اعمال شود. با اشتباه منجمانی که زمان اجرای آخرین کبیسه در دوره ساسانیان را هم زمان با فوت یزدگرد سوم برآورد نمودند، دو ماه کبیسه محاسبه و اعمال گردید (ابوریحان بیرونی، ۱۹۲۳، ص ۳۲-۳۳) و نوروز از شنبه اول فروردین ۲۶۴ یزدگردی به چهارشنبه اول خرداد همان سال منتقل شد (ایرانیکا، ج ۴، ص ۶۷۰). در این گاه‌شماری که ابوریحان بیرونی (۱۹۲۳، ص ۳۱) آن را تاریخ معتضدی و ابن اثیر (ج ۷، ص ۴۶۹) نیز روز نخست سال را نوروز (در متن: نیروز) معتضدی نامیده است طول سال همچون گاه‌شماری یزدگردی (درباره این گاه‌شماری نک: ادامه مقاله، بخش ۴، قسمت ب: ۱) ۳۶۵ روز محاسبه و از آن پس ترتیب اجرای کبیسه‌های آن همانند گاه‌شماری میلادی یولیانی (درباره این گاه‌شماری نک: ادامه مقاله، بخش ۸) یک روز در هر چهار سال اتخاذ شد.

مورخان بسیاری، زمان اجرای کبیسه دو ماهه معتضدی را یازدهم حزیران (مسعودی، ج ۵، ص ۱۷۲-۱۷۳ به نقل از شعری از یحیی بن علی منجم) ۲۸۲ هجری قمری (ابوالفداء، ج ۲، ص ۵۶؛ نیز نک: ابن اثیر، ج ۷، ص ۴۶۹) ذکر کرده‌اند. نوشته ابوالفداء (همانجا) که طبق آن خورشید، در زمان یاد شده، در اواخر برج جوزا قرار داشته، این احتمال را به وجود آورده که معتضد این تصحیح را نه برای ابقای نوروز در آغاز بهار بلکه برای ارفاق به مردم در مورد زمان پرداخت مالیات، انجام داده است (همائی، ج ۲، ص ۳۷۳-۳۷۴، پانویس ۲). اشتباه منجمان معتضد در محاسبه تعداد دقیق روزهایی که باید کبیسه شوند، نوروز را در موقعیت نادرستی تثبیت کرد. بر اساس تصحیح معتضد، گاه‌شماریهای متعددی، نه با نام او که با نام «خراجی» در ایران و مصر رواج یافت (برای آگاهی از مشخصات این گاه‌شماری در ایران نک: ادامه مقاله، بخش ۴، قسمت ب: ۳). به نوشته گینتسل ۱۷ (ج ۱، ص ۲۶۴-۲۶۵) گاه‌شماری مذکور در زمان خلافت طائع لله، خلیفه فاطمی (۳۶۳-۳۸۱)، در مصر رواج یافت، اما با استناد به برخی اسناد تاریخدار، از جمله چند نامه مورخ ۳۴۷ خراجی / ۳۴۸ هجری قمری و سال ۴۰۴ خراجی / ۴۰۵ هجری قمری (نک: گرومان، ۱۹۹۴، سفر ۲، ص ۵۲-۵۳، سفر ۳، ص ۱۶۳)، این گاه‌شماری پیش از زمان مورد نظر گینتسل در مصر رواج داشته است. در ۵۰۱ هجری قمری، گاه‌شماری خراجی جای خود را به گاه‌شماری هجری قمری داد (برای آگاهی بیشتر درباره چگونگی رواج و کنار گذاشتن گاه‌شماری خراجی در مصر نک: مقریزی، ج ۱، ص ۲۷۳-۲۸۵).

ارکانی که برای گاه‌شماری خراجی در ایران (نک: ادامه مقاله، بخش ۴، قسمت ب: یک: ۳) و مصر (نک: همانجا) بر شمرده شده است، نشان از به کارگیری طول سال شمسی یزدگردی دارد، اما بنا به نظر تقی‌زاده (ج ۶، ص ۱۲۹-۱۳۳)، در این گاه‌شماریها سال قمری است و در هر ۳۳ یا ۳۴ سال، برای برابری طول سال با گاه‌شماری شمسی و تطبیق آن با زمان جمع‌آوری مالیات، یک سال حذف می‌شده است که آن را «ازدلاق» می‌نامیده‌اند. اگرچه، روشی نزدیک به این شیوه مدتی در گاه‌شماری رایج در حکومت عثمانی اجرا می‌شده (نک: ادامه مقاله، بخش ۵، قسمت ج)، اما

تاریخهایی که به عنوان دلایل اجرای ازدلاق برشمرده شده است (نک: تقی زاده، همانجا، به نقل از ذهبی، حوادث و وفیات ۳۵۱-۳۸۰ ه، ص ۵؛ مسکویه، ج ۲، ص ۱۸۹، برای سال ۳۵۱ هجری قمری) به سبب اختلاف طول متوسط سالهای گاه‌شماری هجری قمری با طول سال در گاه‌شماری خراجی (= یزدگردی) با سال ۳۵۱ خراجی برابر شده‌اند. بر اثر اختلاف طول سال در این دو گاه‌شماری، اختلاف اولیه سالهای خراجی و قمری که بر اثر اختلاف دو مبدأ گاه‌شماری وجود داشت، رو به کاهش نهاد؛ به طوری که سال ۳۵۱ هجری قمری، مطابق ۳۵۱ خراجی شد (برای آگاهی بیشتر در این زمینه نک: عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۹۱).

تا پیش از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸)، گاه‌شماری هجری قمری گاه‌شماری رسمی و اصلی سرزمینهای اسلامی بود و به علت مجاورت این سرزمینها با سایر تمدنها و فرهنگها، گاه‌شماریهای دیگری از جمله گاه‌شماریهای سلوکی و یهودی و مسیحی نیز در بعضی مناطق کاربرد داشت. در این زمانها گاه‌شماریهای محلی محدودی نیز در نواحی مختلف کشورهای عربی سرزمینهای اسلامی به کار می‌رفت. از جمله، گاه‌شماری رایج در حبشه (اتیوپی امروزی) که از آن با نام گاه‌شماری حبشی یاد شده است. ارکان این گاه‌شماری از گاه‌شماری مصر باستان اخذ شده بود، یعنی استفاده از دوازده ماه سی روزه و پنج روز پس از پایان ماه دوازدهم، که این پنج روز در گاه‌شماری حبشی «باغمن» (مغرب اپوگونیا) نامیده می‌شد، با این تفاوت که در گاه‌شماری حبشی در هر چهار سال یک روز کبیسه می‌شد. ماههای سال نیز اسمهایی خاص داشت (برای آگاهی بیشتر درباره این گاه‌شماری نک: رعد، المشرق، سال ۱۴، ش ۶، ص ۴۲۸-۴۳۲، ش ۷، ص ۴۹۲-۵۰۱).

پس از جنگ جهانی اول و تجزیه قلمرو عثمانی به کشورهای متعدد، با توجه به عدم تطبیق گاه‌شماری هجری قمری با طول سال شمسی و جابجایی فصول در گاه‌شماری هجری قمری، عملاً گاه‌شماری میلادی گاه‌شماری رسمی بسیاری از این کشورها شد. در عین حال هر کدام از این کشورها به طراحی گاه‌شماری ملی نیز اقدام کردند؛ از جمله، در لیبی، پس از به قدرت رسیدن معمر قذافی در ۱۳۴۷ ش نوعی گاه‌شماری شمسی، با مبدأ وفات پیامبر اسلام و نه مبدأ هجرت، طراحی شد و رسمیت یافت (انصاری، ص ۶۳). طول سال و آرایه اجرای کبیسه در این گاه‌شماری همچون گاه‌شماری میلادی بوده و دولت لیبی نامهای جدیدی برای ماههای سال وضع کرده است (برای آگاهی از نام ماهها در این گاه‌شماری نک: تقویم لسنه ۱۳۷۰ من وفاه النبى / ۲۰۰۲ میلادی). در سوریه، گاه‌شماری سلوکی با مبدأ میلادی با ماههای سریانی در کنار گاه‌شماری هجری قمری مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مصر، پس از تشکیل جمهوری، نوعی گاه‌شماری شمسی با عنوان «تاریخ جمهوری مصر» وضع شد که مبدأ آن ۱۸ ژوئن ۱۹۵۳ / ۷ شوال ۱۳۷۲، روز اعلام تشکیل جمهوری مصر، بود. در این گاه‌شماری طول سال با گاه‌شماری میلادی برابر بود و ماهها نیز به ترتیب سی روزه و ۳۱ روزه بودند، به جز ماه دوازدهم که تنها در سالهای کبیسه ۳۱ روزه بود. همچنین نامهای گوناگونی برای ماههای سال وضع شد. در این گاه‌شماری در یک دوره ۲۸ ساله، هفت سال کبیسه محسوب می‌شد (برای آگاهی از نام ماهها و اطلاعات بیشتر درباره این گاه‌شماری

نک: سیدالطوخی، ص ۷۲-۷۳). این گاه‌شماری هنوز هم در برخی تقویم‌های چاپی مصر درج می‌شود.

تفاوت ماهوی گاه‌شماری هجری قمری، با گاه‌شماری میلادی، که در تمام کشورهای عربی - اسلامی به کار گرفته شده است، مانع تثبیت موقعیتهای همسان بین‌المللی (مثلاً جشنها و تعطیلات) در این دو گاه‌شماری می‌گردد. ضمناً این مسئله که ماههای گاه‌شماری هجری قمری در سرزمینهای مختلف اسلامی با توجه به عرض جغرافیایی کشورها و عدم رؤیت همزمان هلال ماه، غالباً یکسان آغاز نمی‌گردد، باعث شده است تا اقداماتی برای طراحی نوعی تقویم سراسری و یگانه اسلامی با مبدأ هجرت پیامبر صورت گیرد و از بروز اشکالات جلوگیری شود، اما این اقدامات تاکنون قرین موفقیت نبوده است. کوشش در جهت تنظیم گاه‌شماری شمسی اسلامی در حد تعریف کلیات و نام ماهها متوقف مانده است (درباره نام این ماهها نک: شکری، ص ۵۳۹ - ۵۴۰). کوششهایی نیز در زمینه طرح گاه‌شماری قمری اسلامی صورت گرفته است، از جمله نوعی گاه‌شماری قمری اسلامی پیشنهاد شده که مبدأ آن زمان تولد پیامبر اکرم در ۵۷۰ میلادی است. در این گاه‌شماری پیشنهادی، طول سال و تعداد روزهای ماه و کیبسه‌های آن همانند گاه‌شماری هجری قمری است، اما در یک دوره بلند ۲۶۰۵ ساله، یک کیبسه دیگر باید در آن اعمال شود. اگرچه در این گاه‌شماری نیز، برای یکسان‌سازی آغاز ماه در تمامی نقاط سرزمینهای اسلامی چاره جدی اندیشیده نشده است (برای آگاهی بیشتر درباره این گاه‌شماری نک: انصاری، ص ۶۳-۸۰). مهمترین نقطه قوت مورد نظر این گاه‌شماری، تطبیق تقریبی تاریخ وقوع رخدادهای مهم اسلامی با روزهای وقوع آنهاست که در گاه‌شماری هجری قمری رخ نمی‌دهد (برای سایر نقاط قوت این گاه‌شماری نک: همان، ص ۶۹-۷۰).